

## طالبان و داعش؛ دوست یا دشمن؟!



حمیدرضا محمودخانی

ظهر روز جمعه 23 مهر 1400، شیعیان قندهار در مسجد جامع فاطمیه در حال شنیدن خطبه‌های نماز جمعه هستند که دو نفر مسلح با تیراندازی به زور وارد مسجد می‌شوند. یکی از حمله‌کنندگان خود را به راهرو مسجد می‌رساند و جلیقه انفجاری‌اش را آنجا منفجر می‌کند و مهاجم دیگر اما، از طریق دروازه‌ای دیگر وارد صحن مسجد می‌شود و نمازگزاران را به خاک و خون می‌کشد. در و دیوار مسجد با گوشت و خون 47 نفر از نمازگزاران که به شهادت رسیدند تصویری تلخی را در یاد بازماندگان به یادگار گذاشت. درست یک هفته پس از انفجار در نماز جمعه شیعیان در سیدآباد استان قندوز افغانستان! داعش خراسان بلافاصله مسئولیت این عملیات‌ها را بر عهده می‌گیرد و طالبان هم آن‌ها را محکوم می‌کند.

اما به راستی نسبت طالبان و داعش چیست؟ تفاوت میان طالبان با افراطیونی مانند داعش به چه میزان و در چه سطحی است؟ در تصور ذهنی بسیاری از مردم، علما و حتی مسئولین تفاوتی بین طالبان و داعش وجود ندارد ولی به نظر می‌رسد این تصور از عدم شناخت صحیح نشأت گرفته است. نشانه‌های بسیار زیادی برای

اثبات تفاوت بین این دو جریان وجود دارد که در این یادداشت بر برخی از آنان اشاره می‌شود.

## تضاد ایدئولوژیک

داعش افغانستان در سال 2015 به نام داعش خراسان به رهبری حافظ سعید خان در مخالفت با طالبان با بیعت با ابوبکر بغدادی اعلام موجودیت کرد. تعدادی از عالمان سلفی پیشاور پاکستان با ده‌ها تن از پیروان خود به قصد ملحق شدن به این گروه به ننگرهار افغانستان نقل مکان کردند. از جمله این عالمان شیخ جلال‌الدین بود که به وسیله مناظره های چالشی با علمای حنفی مشهور بود. در مقابل شیخ رحیم‌ا‌حقانی از عالمان حنفی بود که به مخالفین سرسخت سلفی‌ها در پیشاور مبدل شد و مدام با سلفی‌ها درگیری لفظی داشت که گاهی به صورت تحقیرآمیز از اندیشه سلفیان نام می برد. به هر حال هر دو جنبش به شدت ایدئولوژیک بوده و لذا می توان گفت اختلاف ایدئولوژیک میان طالبان حنفی و داعش وهابی، حل نشدنی ترین تضاد میان این دو گروه بوده و هست. طالبان از فرقه دیوبندی فقه حنفی هستند[1] و گرایشات جدی صوفیانه دارند، در حالی‌که داعش یک جریان سلفی-تکفیری است. از منظر سلفیت، احناف به سبب مشی صوفیانه و توقف و تقلید از مذهب امام ابوحنیفه، اهل بدعت و مشرک قلمداد می شوند. حنفی ها نیز دیدگاه سلبی به سلفیت دارند اما هرگز آنان را مشرک و کافر نخوانده اند. در قاموس احناف افغان، سلفیت فرقه ای گمراه و منحرف معرفی می شد که اگرچه تکفیر فقهی نشدند اما، خوارج نام گرفتند. البته داعشی‌ها را که سلفی تکفیری تندرو هستند، کاملاً خوارج و منحرف و باغی و حتی مرتد می‌دانند.

هر دو جنبش به شدت ایدئولوژیک بوده و لذا می توان گفت اختلاف ایدئولوژیک میان طالبان حنفی و داعش وهابی، حل نشدنی ترین تضاد میان این دو گروه بوده و هست. طالبان از فرقه دیوبندی فقه حنفی هستند و گرایشات جدی صوفیانه دارند، در حالی‌که داعش یک جریان سلفی-تکفیری است.

## تفاوت دیدگاه نسبت به شیعیان

داعش به شدت شیعیان را تکفیر می‌کند و خواستار تعطیلی مساجد و زیارتگاه‌های شیعیان و سلب هرگونه منصب از آنان است. داعش می‌گوید: «بر کسی پنهان نیست که در تکفیر شیعیان مشرک، همه ائمه اهل سنت اجماع دارند و مذهب شیعه هیچ ارتباطی با دین اسلام ندارد و یک دین جداگانه از اسلام است... با این حال امارت طالبان بارها به شیعیان برادر خطاب کرده و دین شرک آلود آن‌ها را منسوب به اسلام دانسته است... طالبان از کافر دانستن شیعیان مشرک می‌رنجد و کسانی که شیعیان را کافر و مشرک می‌دانند، به

عنوان خوارج و تکفیری یاد می‌کند.» [2] در حالیکه طالبان حتی در امارت 20 سال پیش نیز نه تنها شیعیان - که مسلمان محسوب می‌شوند - بلکه هندوها را به رسمیت می‌شناخت و حتی به فقیرانشان نیز کمک می‌کرد. از آنجا که «توزیع مناصب» در کشورهای شبه قاره - به درست یا غلط- امری بسیار استراتژیک تلقی می‌شود، عدم حذف شیعیان هزاره از بدنه دولت و حتی نصب نخبگانی از آنان در مناصب بالا مثل معاون وزیر اقتصاد، قرینه واضحی از این تفاوت دیدگاه است.

کتاب «آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟» در رد طالبان

کتب شدیدالحن علمای طالبان و داعش علیه یکدیگر از نشانه‌های تفاوت عمیق این دو جریان است. داعش دو کتاب درباره تکفیر طالبان نوشته: یکی «آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟» اثر عبدالصبور قندهاری و دیگری «نظام مدیریت و رهبری برای مجاهدین دولت اسلامی» اثر شهاب مهاجر رهبر فعلی داعش خراسان. «عبدالصبور قندهاری» در کتابش، طالبان را به دوری از اندیشه ابوحنیفه متهم کرده و معتقد است بسیاری از رفتارهای طالبان متأثر از سکولاریسم و دموکراسی غربی است. محورهای اصلی مخالفت داعش با طالبان را می‌توان چنین برشمرد: قبول کردن ملی‌گرایی، دموکراسی (قانون اساسی و انتخابات [3]) و حقوق سکولار زنان، سر دادن شعار آزادی و استقلال، دوستی و کمک گرفتن از کفار به خصوص آمریکا، تعطیلی شریعت (حذف تکفیر از دین)، منابع مالی غیر شرعی، به رسمیت شناختن صوفیان و خرافات و بدعت‌ها، به رسمیت شناختن شیعیان، اسلامی دانستن حکومت‌های ایران، پاکستان و قطر و ... ظاهراً داعش خراسان با جنگ نرم می‌خواهد از نیروهای طالبان برای خودش نیرو جذب کند.

کتب شدیدالحن علمای طالبان و داعش علیه یکدیگر از نشانه‌های تفاوت عمیق این دو جریان است. داعش دو کتاب درباره تکفیر طالبان نوشته: یکی «آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟» اثر عبدالصبور قندهاری و دیگری «نظام مدیریت و رهبری برای مجاهدین دولت اسلامی» اثر شهاب مهاجر رهبر فعلی داعش خراسان.

کتاب «حقیقت خوارج معاصر» در حمله به داعش

امارت اسلامی نیز در مقابل، کتب مختلفی علیه داعش منتشر کرده است. به عنوان مثال، مفتی عبیدالله انور در کتاب «حقیقت خوارج معاصر»، در صدد معرفی گروه داعش از بدو تأسیس با استناد به مدارک مستند است؛ وی در پرتو نصوص قرآنی و احادیث نبوی و استناد به دیدگاه علمای عرب و غیرعرب به نقد مبنای داعش پرداخته، به انتقادات داعش به امارت اسلامی پاسخ می‌دهد و داعش را خوارج معاصر

می‌نامد. وی با تمسک به روایات نحوه برخورد با داعش را اینطور تصویر می‌کند: «برخورد با خوارج برعکس دیگر گروه‌های مبتدع (بدعت‌گذار) می‌باشد. به معنای اینکه با باغی‌ها (خروج‌کنندگان بر امام) جنگ می‌شود تا اینکه در طاعت امام داخل شوند و نیز اسیران و زخمیان‌شان کشته نمی‌شوند ولی در مورد خوارج گفته شده که مانند عادیان کشته شوند.» [4] صفات مشترکی که مؤلف میان داعش و خوارج مشترک اعلام می‌کند از این قرار است: تکفیر و ریختن خون مسلمین، کافر خواندن تمام دنیا به جز ساحه زیر حاکمیت خود، اولویت دادن به کشتار مسلمین نسبت به کافران اصلی، حلال دانستن خون اهل ذمه، کنیز گرفتن حتی از اهل قبله، حلال دانستن مال اهل قبله، کشتن بر مبنای شک، عدم وجود علما در میان آنان و ...

#### تصوف

داعشی‌ها به شدت با تصوف مخالفند تا جایی که از آنان با عنوان میمون‌های رقاص نام می‌برند. [5] این در حالی است که مشهور است که ملاعمر به شیوه پیرهای صوفی توسط رؤیاهای خود هدایت می‌شده است. در کودکی تحت تعلیم اساتید صوفی چون حاجی‌با قرار داشته است و بعدها در دوران رهبری هر هفته سرمزارش حاضر می‌شده است. در زمان رهبری با بیشتر آداب و رسوم صوفی مخالفت نکرد. آداب و رسوم که از نظر سلفی‌ها غیراسلامی بود، البته با سوء استفاده از این سنن مخالفت می‌کرد. به حرز و زیارت اهل قبور اعتقاد داشت. رهبری یک گروه نقشبندیه را بر عهده داشته است و سایر شخصیت‌های برجسته طالبان نیز زمانی پیر یا مرید بوده‌اند. خرقة یکی از نمادهای صوفی است. ملاعمر در حالی خود را امیرالمؤمنین معرفی نمود که خرقة یا عبای منسوب به پیامبر را به دوشش افکنده بود.

داعشی‌ها به شدت با تصوف مخالفند تا جایی که از آنان با عنوان میمون‌های رقاص نام می‌برند. این در حالی است که مشهور است که ملاعمر به شیوه پیرهای صوفی توسط رؤیاهای خود هدایت می‌شده است.

#### طالبان ملی و داعش جهانی

طالبان به شدت در تلاش است که خودش را جنبش ملی و نه قومی و نه جهانی معرفی کند و فقط ادعای افغانستان را دارد و هرگز خارج مرزهای خود دست به حمله نزده است، این در حالی است داعش ادعای خلافت اسلامی بدون مرز می‌کند و هویت ملی را به کل منکر است و علناً کشورهای مختلف از جمله ایران را تهدید به حمله کرده است.

قطعا اختلاف ایدئولوژیک در این حد، سخت به همراهی سیاسی بین این دو گروه می‌انجامد. اما اختلافات فقط در مباحث علمی، مبنایی و فکری خلاصه نشده و 5 سال است به درگیری‌های شدید نیز کشیده شده است. آنگاه که خون میان دو گروه افغان جاری گردد دیگر کنار زدن اختلافات ساده نخواهد بود.

## ترور علمای طالبان

با قرار گرفتن سلفی‌های پیشاور همچون؛ شیخ قاسم، شیخ جلال‌الدین و شیخ ابویزید عبدالقاهر در رده های بالای داعش خراسان، ترورهای هدفمند علیه سرشناسان، رهبران و حامیان طالبان در پیشاور آغاز شد. عالمانی چون شیخ رحیم‌الحق حقانی، مفتی ندیم محمودی، مولوی داود و مولوی میراحمد گل هاشمی که هر دو والی طالبان در ننگرهار و کابل بودند، طی سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۷ توسط سلفی‌های تندرو در پیشاور ترور شدند.

طالبان به شدت در تلاش است که خودش را جنبش ملی و نه قومی و نه جهانی معرفی کند و فقط ادعای افغانستان را دارد و هرگز خارج مرزهای خود دست به حمله نزده است، این در حالی است داعش ادعای خلافت اسلامی بدون مرز می‌کند و هویت ملی را به کل منکر است

## اعدام عجیب اسرای طالبان

نیروهای داعش که عمدتاً در شرق افغانستان (بیشتر ننگرهار) و شمال افغانستان (بیشتر جوزجان) فعالیت داشتند هرگاه موفق به غلبه بر طالبان شدند اسرای طالبان را به شیوه های عجیب داعشی (با نصب دینامیت به اسرا و منفجر کردن) اعدام کردند.

## اولویت جنگ با داعش

اختلافات تا جایی بالا گرفت که طالبان درحالیکه سخت با دولت وقت و اشغالگران غربی درگیر بود در برهه‌هایی آن جبهه را مسکوت می‌گذاشت و وارد درگیری همه‌جانبه با داعش می‌شد. به عنوان مثال داعش در منطقه زیرکوه ولایت فراه، بهترین و غیرقابل نفوذترین آموزشگاه با امکانات مدرن را برای تربیت زنان و مردان درست کرده بود که طالبان آنجا را از وجود داعشی‌ها پاک کرد.

این اختلاف بین گروهی، چنان تبدیل به فرهنگ میان اعضا شده که اگر در زندان بگرام می‌فهمیدند کسی داعشی است جان‌ش در خطر قرار می‌گرفت. به همین دلیل دولت سابق سالن جداگانه‌ای برای داعشی‌ها در زندان بگرام درست کرده بود. این مطلب را سید هاشم جوادی بلخایی، از علمای شیعه‌ای که 10 سال در این زندان حبس شده بود بیان کرد و افزود: روزی که امارت زندان را تصرف کرد شیعیان نگران آن بودند که همه آزاد می‌شوند جز شیعیان. اما همه آزاد شدند جز داعشی‌ها که حدود 370 بودند. آنها در زندان ماندند و چند روز بعد به دلیل اینکه نیروهای امارت اسلامی غذای خوبی به آنان ندادند، شورش کردند و دروازه زندان را شکستند. نیروهای امارت هم همه داعشی‌های زندان بگرام را به هلاک کشاندند.

اختلافات فقط در مباحث علمی، مبنایی و فکری خلاصه نشده و 5 سال است به درگیری‌های شدید نیز کشیده شده است. آنگاه که خون میان دو گروه افغان جاری گردد دیگر کنار زدن اختلافات ساده نخواهد بود.

### شدت برخورد بعد از قدرت گرفتن امارت اسلامی

با فتح کابل اقدامات امارت اسلامی بر ضد داعش شدت بیشتری هم یافت. کشتن و اعدام سرکردگان اصلی داعش خراسان مثل اعدام ابوعمر خراسانی در 26 مرداد 1400، شناسایی و انهدام خانه‌های تیمی داعش مانند خانه تیمی در محله خیرخانه کابل در 12 مهرماه 1400 و شناسایی و انهدام مخفی‌گاه‌های داعش مانند مخفی‌گاهش در شهر چاریکار (مرکز ولایت پروان) در 10 مهرماه 1400 و ... بسیاری از مدارس سلفی بالخصوص در ولایت ننگرهار مثل مدرسه نارنج‌باغ و عباد بن مبارک در جلال‌آباد، به اتهام رفت و آمد برخی اعضای داعش، بسته شده یا با محدودیت‌های زیادی همراه شده‌اند. در مقابل نیز فقط در شهربور و مهرامسال، ۳۶ مورد عملیات تروریستی از سوی داعش در افغانستان روی داده است که بیش از سی مورد آن علیه طالبان یا نزدیکان به امارت بوده است. مواردی همچون انفجار خودروهای طالبان در ننگرهار، حمله به مراسم ختم مادر ذبیح‌الله مجاهد-سخنگوی طالبان- در مسجد عیدگاه کابل، انفجار بمب در مدرسه دینی مظهرالعلوم در ولایت خوست و...

### سناریوی آمریکا؛ جنگ داخلی و استراتژی زمین سوخته

حاصل آنکه داعش به دنبال ایجاد ناآرامی در افغانستان و حتی وارد کردن لطماتی به چین، روسیه، ایران و پاکستان است. این کاملاً در راستای برنامه آمریکا و سرویس‌های امنیتی غربی است که در پس

پرده، به دنبال ایجاد نوعی هماهنگی میان داعش خراسان و دیگر جریانهای مخالف طالبان در افغانستان هستند تا با ایجاد هرج و مرج گسترده، جنگ داخلی به راه بیندازند و استراتژی زمین سوخته را اجرا کنند یا حداقل، بدون هزینه های گزاف حضور فیزیکی امریکا، افغانستان را برای هر بازیگری غیر قابل استفاده کنند.

#### راهبرد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی ایران باید با نگاه فرصت محور، هوشیارانه وارد میدان شود و به راحتی از منافع ملت افغانستان در آن زمین استراتژیک نگذرد. اولاً عدم شناخت صحیح و اطلاعات اشتباه باعث می شود این فرصت بزرگ با اقدامات نسجیده و متأثر از پروپاگاندای رسانه ای مخالف با طالبان به تهدید تبدیل شود. ثانیاً تحلیل های اشتباه در فضای متعارف و بدون توجه به مزیت های جمهوری اسلامی نیز، ایران را از دیگر بازیگران عقب خواهد انداخت. به هرحال جمهوری اسلامی باید از وجوه مشترک خود با امارت اسلامی که عبارت است از دشمنی با تروریسم داعش و حتی امریکا، بهره کامل ببرد، در رفع نیاز ضروری این کشور مبنی بر شکست موج تروریسم و ناامنی همکاری نماید و منافع ملت خود را نیز در اموری همچون رخنه در تحریم ها دنبال نماید.

پا نوشت:

[1] برای شناخت بیشتر دیوبندیه و درک تفاوت های عمیقش با سلفیت به کتاب المهند علی الممند مراجعه فرمایید. این کتاب بهترین نوشته ای است که در عقاید و دیدگاه های اهل سنت دیوبندی نوشته شده است. مؤلف می گوید: "محمد بن عبد الوهاب خون و اموال و عرض مسلمین را حلال دانست و همه را مشرک خواند و اهل قبله را کشت و این قوم همان خوارج می باشند لذا هیچ کدام از مشایخ ما در سلسله وهابیت نمی باشند."

[2] عبدالمنصور قندهاری در کتاب «آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟»

[3] عبدالمنصور قندهاری: جان و مال کسی که در نظام دموکراسی کاندید شده یا رأی داده حلال است در حالیکه طالبان به معتقدان دموکراسی برادر خطاب می کند پس کافر و مرتد است.

[4] حقیقت خوارج معاصر، صفحه 14 و 15

[5] عبدالمنصور قندهاری در کتاب «آیا طالبان فعلی پیروان حنفیت هستند؟»

منبع: شعوبا